



ظرفیت‌های زبان فارسی  
در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی



# ظرفیت‌های زبان فارسی در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی

سخنران

دکتر بهرام امیراحمدیان

پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل



مرکز پژوهش‌های ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



---

## ظرفیت‌های زبان فارسی در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنران: دکتر بهرام امیراحمدیان

طراح جلد: علی خورشیدپور

صفحه آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - فروردین ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰ ریال

چاپخانه: فام‌تصویر

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است؛

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

---

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۱۹۱۷۷، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: [nashr@ricac.ac.ir](mailto:nashr@ricac.ac.ir)

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشر .....
۹	مقدمه .....
۱۱	حکیم ابوالقاسم فردوسی بنیان‌گذار زبان و ادب فارسی .....
۱۲	پرسش‌های اساسی .....
۱۲	طرح مسئله .....
۱۴	ظرفیت‌های زبان فارسی .....
۱۸	سرآغاز پیدایش و گسترش حوزه زبان فارسی .....
۱۹	نمادهای ایرانی در نقاط مختلف .....
۲۰	قلمروهای زبان فارسی در جهان ایرانی .....
۲۵	پیدایش و پابرجایی زبان فارسی در هند .....
۲۹	سنگ‌نبشته‌های پارسی بر بناهایی هندی .....
۲۹	تعدادی از سنگ‌نبشته‌های فارسی با خط نستعلیق .....
۳۰	مولانا و بلخ و قونیه، آئینه تمام‌نمای وحدت جهان ایرانی است .....
۳۴	منطقه سین کیانگ چین یا ترکستان .....
۳۵	گذشته و امروز سین کیانگ .....
۳۵	آموزش زبان فارسی در سین کیانگ .....
۳۶	تحول فرهنگی در منطقه سین کیانگ .....
۳۸	دانستن زبان فارسی در بین مستشرقان امتیاز شمرده می‌شود .....
۳۹	فارسی شکر است .....
۳۹	راز ماندگاری زبان فارسی، راز ماندگاری فرهنگ اسلامی - ایرانی است .....

- ۳۹.....ارتباط ادبی ایران امروز با گذشته تاریخی خود.....
- ۴۰.....کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها ، یادگارهای جاویدان آثار فرهنگی.....
- ۴۳.....آثار معماری به عنوان حافظان پایدار میراث فرهنگی.....
- ۴۴.....متن کتیبه شاه‌عباس در بادکوبه.....
- ۴۵.....ملاحظات چند از وضعیت زبان فارسی.....
- ۴۶.....تاثیر زبان فارسی بر ادبیات روسی.....
- ۴۷.....فواره‌های باغچه‌سرای.....
- ۴۷.....مقایسه‌ای نمونه‌ای از کاربرد واژگان.....
- ۴۸.....نتیجه‌گیری.....
- ۴۹.....چالش‌های پیش‌رو.....
- ۴۹.....مصادره شخصیت‌های فرهنگی ایران و تبعات آن.....
- ۵۰.....نمونه‌هایی از نثر فارسی.....
- ۵۱.....پیشنهاد.....
- ۵۶.....ساختارهای قانونی برای پاسداری از زبان فارسی.....

## سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌نماید تا از این رهگذر فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه را فراهم سازد.

گزارش پیش رو، نتیجه نشستی است با عنوان «ظرفیت‌های زبان فارسی در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی» با حضور دکتر بهرام امیراحمدیان که از سوی پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل در پژوهشگاه برگزار شده است.

یادآوری می‌شود، مطالب مطرح شده از سوی سخنران، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های مسئولان پژوهشگاه نیست.





### مقدمه

زبان یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال فرهنگ و تمدن و همگرایی بین کشورهاست. همگام با جریان نفوذ زبان در مناطقی که زبان اصلی آنها غیر از زبان مبدأ بوده، بخش‌هایی از فرهنگ برآمده از آن هم منتقل می‌شود. زبان نه تنها به عنوان ابزار ارتباطی، بلکه به عنوان مؤلفه و عنصری حیاتی در هویت فردی و جمعی انسان‌ها نقش‌آفرینی می‌کند. از این رو، دو عامل بنیادی برای همگرایی بین کشورها یعنی فرهنگ و هویت مشترک در اثر گسترش زبان در میان ملت‌های مختلف فراهم می‌آید.

زبان فارسی نیز در بسیاری از کشورهای هم‌جوار ایران، نفوذ قابل توجهی داشته که به تبع آن، به انتقال بخش‌هایی از فرهنگ اسلامی – ایرانی و تحول در نظام فرهنگی آن کشورها انجامیده است. ترویج فرهنگ اسلامی – ایرانی، در پی نفوذ زبان فارسی در کشورهایی چون چین، هند، ترکیه و ... سابقه‌ای کم و بیش طولانی دارد. این واقعیت تاریخی بیانگر آن است که گسترش زبان فارسی در این

کشورها بر غلبه‌سازی همزیستی و همکاری بین آنها بوده است. به گواهی تاریخ، زبان و ادبیات فارسی، ظرفیت و توانمندی بسیاری در گسترش روابط فرهنگی و همگرایی در عرصه بین‌المللی داشته است. به گونه‌ای که زبان و ادبیات فارسی، طی قرن‌های متمادی در بخش بزرگی از جهان رواج داشته و از کرانه‌های اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر و در دورترین نقاط جهان به‌ویژه در آسیای صغیر و خصوصاً کشورهای تحت حاکمیت عثمانی و کشورهای منطقه بالکان، بستر تعامل و همزیستی فرهنگی را فراهم کرده است. فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی، از قرن‌ها پیش با تلاش‌های بزرگان فرهنگ و ادب در حوزه تمدنی ایران، هم‌چون رودی حیات‌بخش، جاری و منشاء همکاری و همگرایی در منطقه شده است.

با توجه به اهمیت گسترش زبان فارسی در سیاست خارجی ایران، گروه مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات طرح‌ها و برنامه‌های پژوهشی و آموزشی را در این زمینه تدوین و اجرا نمود. نشست تخصصی «ظرفیت‌های زبان فارسی در همگرایی منطقه‌ای در جهان ایرانی» یکی از برنامه‌هایی است که در این راستا توسط گروه برگزار شد. متن پیش رو ماحصل برگزاری این نشست تخصصی توسط استاد فرهیخته جناب آقای دکتر بهرام امیر احمدیان در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۳۰ است.

گروه مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل  
پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل

ایرانیان سرزمین خود را مرکز زمین می‌دانستند

همه عالم تن است و ایران دل      نیست گوینده زین قیاس خجل  
چون‌که ایران دل زمین باشد      دل ز تن به بود یقین باشد  
(نظامی گنجوی)

### حکیم ابوالقاسم فردوسی بنیان‌گذار زبان و ادب فارسی

فردوسی بزرگ را بی‌شک می‌توان بنیان‌گذار ادبیات فارسی دانست. او با سرایش شاهنامه (که امسال مصادف با هزارمین سالگرد سرایش آن است)، سنگ بنای ادبیات فارسی را بنیان نهاد. بدین جهت فردوسی از جایگاه والایی در تاریخ و هویت این سرزمین برخوردار است و تا ابد خواهد درخشید. با نگاهی به شاهنامه می‌توان اهمیت کار و کوشش‌های او را به‌خوبی دریافت.

ز باران وز تابش آفتاب	بناهای آباد گردد خراب
که از باد و بارانش نیاید گزند	پی افکندم از نظم کاخی بلند
همی خواند آنکس که دارد خرد	برین نامه بر سال‌ها بگذرد
زمن روی کشور شود پر سخن	چو این نامور نامه آید ببن
که تخم سخن من پراگنده‌ام	از آن پس نمیرم که من زنده‌ام
پس از مرگ بر من کند آفرین	هر آنکس که دارد هش و رای و دین

(ابوالقاسم فردوسی)

### پرسش‌های اساسی

- آیا زبان فارسی ظرفیت تبدیل شدن به عنوان عاملی برای همگرایی منطقه‌ای را در جهان ایرانی داراست؟
- در شرایط کنونی که ایرانیان بسیاری در خارج از ایران‌زمین در غرب و در دیگر نقاط جهان زندگی می‌کنند آیا زبان فارسی می‌تواند حلقه اتصال آنها به سرزمین اصلی خویش باشد؟
- آیا از طریق آموزش زبان فارسی در فضای دیجیتال برقراری ارتباط نزدیک‌تر با نسل دوم مهاجران ایرانی مقیم خارج امکان‌پذیر است؟

### طرح مسئله

ما اصولاً دو نوع نیروی فرهنگی در دنیا داریم و در گذشته هم داشته‌ایم. به‌ویژه در دنیای کنونی که کشورها زبان خود را وسیله گسترش نفوذشان قرار می‌دهند. از جمله این‌ها، کشورهایی هستند که زبان را وسیله‌ای می‌دانند برای اینکه فرهنگ خودشان را مستولی کنند. مثال بارز این‌گونه موارد، کشورهای فرانسه، انگلستان و برخی دیگر هستند که هر سال مخارج هنگفتی را متحمل می‌شوند که مدارس آموزش و گسترش زبان خود را در سراسر دنیا داشته باشند.

عامل دیگری هم وجود دارد، مثلاً زبان ایتالیایی هیچ دلیلی برای گسترش زبان خود در سراسر جهان نداشته و ندارد به‌جز یک نوع سودای جهان‌گیری.

زبان فارسی در هیچ‌یک از این دو مقوله قرار نمی‌گیرد، آنچه باعث می‌شود همه ما فارسی‌زبانان و فارسی‌دوستان، علاقه‌مند به اشاعه زبان فارسی باشیم، یک نوع سودای جهان‌گیری و یک نوع استعمار فرهنگی نیست، بلکه بازیافتن فضای زبان فارسی است که از دست رفته، یک فضای برون‌ی و یک فضای درونی.

فضای برونی، از دست رفتن سرزمین‌های ایران در دوره قاجاریه و تسلط روس‌ها بر منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و سیاست حیرت‌آوری که کمونیست‌ها برای از بین بردن حوزه زبان فارسی به کار بردند و تقسیم‌بندی عجیب و غریب میان ازبکستان و تاجیکستان که بر اثر آن، مراکز بزرگ زبان فارسی یعنی سمرقند و بخارا را خارج از حوزه تاجیکستان قرار داد.

از طرف دیگر از بین رفتن امپراتوری عثمانی که تقریباً منجر به تحریم زبان فارسی توسط آتاتورک و از میان رفتن آن در بالکان شد.

و بالاخره سیاست جایگزینی زبان انگلیسی به جای زبان فارسی در هندوستان که باعث شد این زبان، قلمرو چند صد ساله و بلکه هزار ساله خود را از دست داد. این احساس گسترش در واقع یک نوع سرفصل جدیدی نیست، بلکه بازیابی یک نوع «فضای برونی از دست رفته» است.

اما فضای دیگری هم هست و آن هم فضای درونی ماست که در اثر تحولات سده گذشته، آن رابطه‌ای که میان فکر و روح ایرانی و زبان فارسی وجود داشت تا حدودی در میان بعضی از افراد از میان رفته است.

در واقع فضای زبان فارسی، میان زبان‌های دیگر تقسیم شده است؛ هم زبان به معنای صوری و هم زبان به معنای اندیشه و به همین جهت در آموختن زبان فارسی به فرزندان خود، نوعی نیاز به گسترش درونی زبان فارسی هم وجود دارد. در واقع برگرداندن دوباره زبان فارسی به عنوان زبان اصلی فکر و اندیشه برای کسانی که فارسی‌زبان هستند و این خود، امری منطقی و طبیعی است.<sup>۱</sup>

---

۱. سید حسین نصر، «زبان فارسی و هویت ملی»، فصلنامه فرورزش، شماره دوم (بهار ۱۳۸۸) - رویه ۹۸ - ۹۲

### ظرفیت‌های زبان فارسی

فارسی (پارسی، دری و تاجیکی) یکی از زبان‌های هند و اروپایی در شاخه زبان‌های ایرانی جنوب‌غربی است که در کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به آن سخن می‌گویند. فارسی زبان رسمی کشورهای ایران و تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان (در کنار زبان پشتو) است.

در ایران زبان نخست بیش از ۴۰ میلیون تن فارسی است (بین ۵۸٪ تا ۷۹٪)، فارسی زبان نخست ۲۰ میلیون تن در افغانستان، ۵ میلیون تن در تاجیکستان و در ازبکستان حدود ۷ میلیون است. زبان فارسی گویشورانی نیز در هند و پاکستان دارد. با توجه به رسمی بودن زبان فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان و تسلط گویشوران سایر زبان‌ها بدان به عنوان زبان دوم، روی هم‌رفته می‌توان شمار فارسی‌گویان جهان را حدود ۱۱۰ میلیون تن برآورد کرد. گرچه فارسی اکنون زبان رسمی پاکستان نیست، پیش از استعمار انگلیس و در زمان امپراتوری مغول (به فرمان اکبرشاه)، زبان رسمی و فرهنگی شبه‌قاره هند بوده است. زبان رسمی کنونی پاکستان (اردو)، که «اسلامی‌شده» زبان هندی است، بسیار تحت تأثیر فارسی بوده است و واژه‌های فارسی بسیاری دارد. به‌طوری که تمامی کلمات سرود ملی پاکستان به جز یک حرف اضافه از کلمات مشترک با زبان فارسی تشکیل شده است<sup>۱</sup>.

زبان فارسی مهم‌ترین عنصر هویتی ما ایرانیان است، چون هر عنصر دیگری که بخواهد خود را به عنوان یک عنصر مهم معرفی کند، باید از طریق این زبان کارش را انجام دهد. زبان نه تنها به عنوان ابزار ارتباطی، بلکه به عنوان مؤلفه و عنصری حیاتی در هویت فردی و جمعی انسان‌ها نقش‌آفرینی می‌کند. همچنین زبان همانند دیگر اشیا و امور عالم، در معرض تغییرات و دگرگونی قرار دارد؛ چه بسا

۱. انسکلوپدیای ویکی‌پدیا، ذیل مدخل

زبان‌هایی که امروز، اثری از آنها نیست و همچنین در اثر تغییرات و دگرگونی‌هایی که به خود پذیرفته‌اند از صورت و شکل آغازین به شکل و صورتی دیگر درآمده باشند. تغییراتی که در گویش و ساختارهای صرفی و نحوی، واژگان و ... زبان‌ها رخ می‌دهد و زبانی را از صورت اولیه و اصیل آن به اشکال دیگری تبدیل می‌کند، هرگز متوقف نمی‌شود، تغییراتی که گاه ریشه در مجاورت زبانی و گاه ریشه در نیازهای روزمره دارد. اینکه چه عاملی و چگونه تغییرات زبانی را پدید می‌آورد، در اینجا موضوع بحث و تأمل نیست، بلکه صحبت در تغییرات و آثاری است که در نتیجه تغییرات در زبان حاصل می‌شود و در صورت بی‌توجهی می‌تواند عوارض جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. زبان یا زبان‌های مرده، نامی ناآشنا برای اهل علم، فرهنگ و ادب نیست. هیچ تضمینی برای تداوم زبان‌هایی که توانسته‌اند در طول تاریخ هویت خود را حفظ نمایند، وجود ندارد. فارسی به عنوان یکی از زبان‌های کهن، زبان رسمی و ملی ایرانیان از قدیم‌الایام، توانسته است در مقابل تغییراتی که عمدتاً از مجاورت با دیگر زبان‌ها و تعاملات میان زبانی پدیدار می‌شود، هویت خود را محفوظ نگه دارد، اما این سابقه و قدمت، دلیلی بر آسیب‌ناپذیری آن نیست. پیشرفت‌های علمی، جهانی شدن‌هایی که در عرصه اقتصاد تکنولوژی، فرهنگ و دیگر امور انسانی رخ داده و می‌دهد زبان فارسی را بیش از گذشته در معرض مجاورت‌های زبانی و فرهنگی و تغییر قرار داده است.

هر روز شاهد ورود سیل واژگان وارداتی به درون زبان فارسی از زبان‌هایی هستیم که با علم، تجارت، ارتباطات و غیره همراه هستند. تعاملات گویشوران زبان فارسی با گویشوران زبان‌هایی که امروزه زبان علم، تکنولوژی، تجارت، حقوق و دیگر عرصه‌های فعالیت‌های انسانی هستند، علاوه بر واژگان، ساختارهای

نحوی، صرفی و نگارشی، زبان فارسی را در معرض چالش‌های ساختاری قرار داده است. در این میان نقش رسانه‌های قدرتمندی چون رادیو و تلویزیون، مطبوعات و روزنامه‌ها در گسترش و تواناسازی دامنه‌ و اژگان زبان فارسی یا تضعیف آن از طریق معادل‌سازی یا کاربرد واژگان زبان‌های بیگانه بسیار مهم است<sup>۱</sup>.

- اگر زبان فارسی وجود نمی‌داشت، ایران نه تنها مسلمان می‌شد، بلکه عرب‌زبان هم می‌شد. هیچ دانشمندی - نه شرقی و نه غربی - هنوز نتوانسته است این موضوع را روشن کند که چرا مصر، هم عرب است و هم مسلمان، اما ایران مسلمان است ولی عرب نیست. تمام دلایلی که ارائه شده، قابل ایراد و پاسخ است.

- مثلاً داشتن تمدن قدیم. اینکه ایران کشوری است با تمدنی کهن، قابل انکار نیست، ولی تمدنی قدیمی‌تر از مصر وجود ندارد.

- دیگر، داشتن جمعیت زیاد. در دلتای نیل هم جمعیت انبوهی زندگی می‌کرده‌اند.

- در نهایت درمی‌یابیم که بایست دنبال عامل دیگری گشت.

- اصل مسئله روشن است. چون زبان فارسی، زاده زبان پهلوی دری و باران رحمت کلمات قرآنی است. این زبان به صورت بسیار سریع آن‌چنان جایگزین زبان عربی شد که حتی عروض و قافیه زبان عربی را شاعران بزرگی مانند رودکی اقتباس کردند و برای اولین بار توانستند به همان قالب‌هایی که برای گوش انسان موزون بود، زبان و شعر فارسی را به نحوی ارائه کنند که به صورت یکی از بزرگ‌ترین و زیباترین زبان‌های دنیا درآید.

- نثر زبان فارسی در قرن پنجم، ششم و هفتم هجری با آثار ناصرخسرو، سه‌روردی و در نهایت افضل‌الدین کاشانی اوج گرفت. آثار کاشانی از این

---

۱. زبان فارسی؛ «چالش‌ها و راهبردها» (شماره ۳۵)، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی / گروه پژوهشی اقوام و اقلیت‌ها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک



جهت اوج زیبایی فکری و فلسفی زبان فارسی است.

- سپس با توجه به هرج و مرج دوره تیموری تا آمدن صفویه که دوباره وحدت ایران‌زمین برقرار شد، زبان فارسی افول کرد.

- نثر فارسی با نثری از هم گسیخته به تدریج تضعیف شد. در دوره صفویه، شاهان این سلسله برای تقویت مذهب اثنی‌عشری، تعدادی از علمای حله و جبل‌عامل را که عرب‌زبان بودند به ایران دعوت کردند.

- به همین علت زبان عربی بعد از دوره‌ای طولانی دوباره در ایران قدرت پیدا کرد.

- زبان فارسی تنها زبان مهم خانواده ایرانی‌زبان‌هاست و زبان همه‌جانبه تمدن اسلامی نیز هست و زبانی است که از قلمرو خود بیرون آمد و تبدیل به یک زبان جهانی شد. البته زبان فارسی، زبان سامی نیست، بلکه از شاخه زبان‌های «هند و اروپایی» و ایرانی است.

- به همین جهت امکان یک نوع تفکر و همچنین یک نوع برداشت از وحی اسلامی را که چیزی غیر از برداشت عربی و در واقع مکمل او بود، عرضه کرد.

- در این زبان بود که ایرانیان توانستند یک نوع تعبیر مشخص از تمام جوانب فرهنگ و هنر ایران، تا خطوط بسیار زیبا داشته باشند و البته این‌ها همه به هم مرتبط‌اند.

- نکته مهم بعدی، کمکی است که زبان فارسی به حفظ هویت و تمامیت ایران‌زمین کرده است. زیرا این زبان وجه مشخص تمام اقوام آریایی‌ای بود که اسلام را قبول کردند. البته اینکه چرا زبان فارسی، زبان مشترک اقوام آریایی شد و چرا زبان‌های دیگر نتوانستند چنین کاری را انجام دهند، بحثی است که زبان‌شناسان بایستی به آن پردازند.

- در واقع زبان فارسی حافظ انسجام قلمرو وسیع غیرعربی تمدن اسلامی،

حتی در دوره کلاسیک آن، یعنی از دوره حکومت بنی‌امیه تا استیلای مغول بر غرب آسیا و چسب اصلی متحد نگاه داشتن این اقوام مختلف و بستر انتقال اندیشه و احساس اقوام مزبور بود(همان).

### سرآغاز پیدایش و گسترش حوزه زبان فارسی

زبان فارسی از خراسان بزرگ، از ماوراءالنهر از شمال شرقی ایران زمین از رودکی سمرقندی آغاز شد به خراسان آمد و به دست فردوسی بزرگ شکوفا شد.

ازان پس نمیرم که من زنده‌ام      که تخم سخن من پراکنده‌ام  
هر آنکس که دارد هوش و رای و دین      پس از مرگ بر من کند آفرین

از آنجا به شرق ایران به غزنه رسید و عنصری را پرورد و او شاگرد بزرگی چون فرخی سیستانی را پروراند. سپس به جنوب حرکت و در مرکز ایران سعدی، خواجهی کرمانی و حافظ شیرازی آن را به اوج رساندند، در مرکز ایران منوچهری دامغانی نماینده بی‌بدیل بود، در آذربایجان قطران تبریزی آن را پاس می‌داشت، از آنجا با گذر از رود ارس به قفقاز رفت و به دست خاقانی شیروانی، نظامی گنجوی و مجیرالدین بیلقانی رسید.

ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس

بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

(حافظ)

از آن سو، حکیم گنجه با درایت و اندیشه‌ای جهانی، نظریه سیستم‌ها را در ابیاتی زیبا بیان می‌دارد و نشان می‌دهد اگر چه از گنجه به سرزمینی دیگر برای سیر و سیاحت نرفته ولی با مطالعه آثار درگذشتگان میراث معنوی فرهنگ ایرانی را پاسداری کرده است:  
خرامیدن لاجوردی سپهر      همان گرد بر گشتن ماه و مهر

مپندار کز بهر بازیگری است      سرآورده‌ای این چنین سرسری است  
 در این پرده یک رشته بیکار نیست      سر رشته بر ما پدیدار نیست  
 که داند که فردا چه خواهد رسید      ز دیده که خواهد شدن ناپدید  
 (نظامی)

### نمادهای ایرانی در نقاط مختلف

- در شهر سمرقند در ازبکستان، مجسمه بزرگی از «تیمور لنگ» در بلوار اصلی شهر به عنوان قهرمان ملی ازبک‌ها نصب شده است. در عین حال در همین بلوار هتلی به نام «شاهنامه» وجود دارد. خیابانی دراز که از این بلوار منشعب می‌شود به نام «ابوالقاسم فردوسی» است.
- در کدام شهر ایران مجسمه‌ای از رستم یا خیابانی به نام «شاهنامه» و «رستم» وجود دارد؟
- در شهر سنت پترزبورگ روسیه یک ناهارخوری متعلق به مسلمانان وجود دارد که به افتخار قهرمان اساطیری ایران «رستم» نام‌گذاری شده است.
- در سراسر حوزه تمدنی و فرهنگی ایرانی برخی از اصطلاحات مربوط به نماز فارسی است:

در زبان‌های محلی (ترکی و ایرانی)	به زبان فارسی معاصر
بامداد	نماز صبح
پیشین	نماز ظهر
عصر یا پسین	نماز عصر
شام	نماز مغرب
خفتن	نماز عشاء
دستاب یا دست‌نماز	وضو

مصلی	نمازگاه
------	---------

کدام یک ایرانی‌تر است؟

### قلمروهای زبان فارسی در جهان ایرانی

قلمروهای عمده زبان فارسی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- آسیای مرکزی یا ماوراءالنهر
- افغانستان
- شبه قاره هند
- آسیای صغیر
- سین کیانگ یا ترکستان
- قفقاز
- شرق آفریقا

گفتم زکجایی تو، تسخر زد و گفت ای جان / نیمیم ز ترکستان، نیمیم ز فرغانه

مؤلف ناشناخته حدود العالم من المغرب الی المشرق می‌نویسد:

فرغانه در ترکستان است. فرغانه در منتهی‌الیه آسیای مرکزی واقع است و

پس از آن ترکستان چین آغاز می‌شود. حد شرقی جهان ایرانی از فرغانه به سوی

غرب آغاز می‌شود و تا «دریند» در ساحل غربی دریای خزر ادامه می‌یابد.

### الف. آسیای مرکزی (ورارودان ایرانی و ماوراءالنهر عربی)

زبان فارسی از دوره صفاریان از حدود سال ۲۵۰ هجری و از دوره سامانیان به

بعد به‌طور جدی زبان رسمی و درباری منطقه بود.

در امیرنشین بخارا و خانات خوارزم و خوقند همه مکاتبات با زبان فارسی انجام می‌شد. تا قبل از هجوم بلشویک‌ها به منطقه، حاکمان، امیران و صاحب‌منصبان به فارسی می‌نوشتند.

بسیاری از منابع تاریخی منطقه به زبان فارسی نوشته شده است. در عین حال آثاری که به زبان ترکی ایجاد شده، آنها هم با الفبای فارسی نوشته شده‌اند. اگرچه در دوران بلشویک‌ها و حکومت ۷۰ ساله کمونیست‌ها بر منطقه خط مردم منطقه تغییر یافت، با این حال زبان تاجیکی و زبان‌های پامیری از گروه زبان‌های ایرانی شرقی به حیات خود ادامه دادند و فرهنگ و تمدن ایران را تا کنون زنده نگه داشتند.



اوقات نماز در مدرسه میرعرب بخارا



Намаз вақтлари (ташканд مجموعه زنگی آتا)



وقت‌های نماز (شهر خجند در تاجیکستان)

## ب. افغانستان

فارسی افغانستان به گونه‌ای از زبان فارسی که در افغانستان متداول است اطلاق می‌شود. این گونه زبانی در نگارش‌های رسمی دولتی افغانستان با نام زبان دری یاد می‌شود، ولی مردم افغانستان در زبان گفتاری، زبان خود را با نام فارسی می‌شناسند. فارسی دری و پشتو در افغانستان دو زبان رسمی در کل کشور هستند. اگرچه برخی، فارسی رایج در افغانستان را زبانی مستقل و با نام دری جدای از زبان فارسی می‌دانند اما تفاوت این گویش با گویش ایرانی فارسی در حدی نیست که بتوان آن دو را دو زبان جداگانه دانست. به هر حال فارسی دری افغانستان را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های زبان فارسی شمرد.

**دستور خط:** دستور رسمی فارسی در افغانستان تفاوت بسیار جزئی با دستور خط فارسی ایران دارد. این دستور خط سال‌ها پیش در وزارت فرهنگ افغانستان ترتیب یافته است. پیرو این دستور خط، واژگانی نظیر «زندگی» به صورت «زنده‌گی» نوشته می‌شوند. با این وجود این دستور خط چندان در نشریات استفاده نمی‌شود. وضعیت یای میانجی و یای نکره مبهم است به طور مثال ترکیباتی نظیر خانه‌ای زیبا به صورت‌های خانه یی زیبا و خانه زیبا نوشته می‌شوند.

**لهجه‌ها:** لهجه‌های مختلفی از فارسی در افغانستان متداول است. از جمله هزارگی، هراتی، کابلی و... گویش فارسی متداول در هرات، بادغیس و فراه که تحت نام لهجه هراتی شناخته می‌شوند، به گویش فارسی‌زبانان شمال شرق ایران شباهت زیادی دارد و با گویش مرزنشینان ایران تقریباً یکی است. این گویش با گویش‌های رایج در استان‌های خراسان ایران در یک رده‌بندی قرار می‌گیرند.

لهجه‌های شرق افغانستان از جمله لهجه بدخشی با لهجه‌های فارسی تاجیکستان شباهت دارد.

دایره واژگان: در فارسی افغانستان، از واژگان پشتو، روسی و انگلیسی بسیار استفاده می‌شود. به‌ویژه برای مفاهیم نو استفاده‌ای از واژه‌های فارسی نمی‌شود و بیشتر از زبان‌های انگلیسی، عربی، پشتو و اردو وام گرفته می‌شود.

در بسیاری از موارد گویشوران در مواردی که کلمه فارسی مناسبی هم برای مفهوم مورد نظر وجود دارد از واژه انگلیسی استفاده می‌کنند. استفاده از واژگانی مانند پرابلم (به‌جای مشکل) و پالیسی (به‌جای سیاست) در بین دولتمردان بسیار رواج دارد.

به خاطر سیاست پشتون‌سازی حکومتی در افغانستان، در متون اداری این کشور واژه‌های بسیاری بر زبان فارسی افغانستان تحمیل شده است. تحمیل واژه‌های نوپای پشتو در نامه‌های اداری افغانستان به اندازه‌ای است که روانی زبان فارسی در آن به خطر افتاده است. در افغانستان، امروزه برای مفاهیم نو، ملغمه‌ای از واژگان بیگانه استفاده می‌شود و سیاست آشفته‌سازی فارسی و تضعیف آن از سوی حکومت آن کشور همچنان ادامه دارد.<sup>۱</sup>

### ج. شبه قاره هند

- شکر شکن شوند طوطیان هند      زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود
- هنوز هم در دانشگاه‌های هند و پاکستان کرسی‌های زبان فارسی دایر است و تعداد زیادی از استادان زبان فارسی به پرورش دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی مشغول‌اند.
- زبان اردو که آمیخته‌ای از واژگان زبان پارسی با زبان هندی است، به زبان رسمی مردم پاکستان تبدیل شده که خط نوشتاری آن نیز شبیه خط نستعلیق فارسی است.

---

۱. انسیکلوپدیای ویکی پدیا، ذیل مدخل



- در بنگلادش در مراسم تولد فرزند، بنگالی‌های مسلمان اشعاری از مولانا می‌خوانند. برخی معنی این واژگان پارسی را نمی‌دانند با این حال آن را حفظ می‌کنند چون نوعی تقدس و تعالی در آن حس می‌کنند.

### پیدایش و پابرجایی زبان فارسی در هند

زبان فارسی هشت قرن پیش وارد هند شد، ۷۰۰ سال بر تارک اندیشه، روابط، سیاست، اقتصاد و فرهنگ مردم هند حاکمیت داشت. به گونه‌ای که کلیه آثار مهم فرهنگی، مذهبی، سیاسی، ادبی، مکاتبات، اسناد شخصی و دولتی و احکام قضایی هند به زبان فارسی نوشته می‌شد و مدت‌های مدیدی، این سرزمین مهد پرورش شعر و ادب فارسی بود. هم اکنون آثار گران‌بها و نسخ خطی بسیار ارزنده موجود در هند حکایت از این واقعیت دارد.

هنوز فرهنگ دوستان و ادب‌پرووران و اندیشمندان هند در تلاش‌اند تا این گنجینه گران‌بهای فرهنگی را حفظ و گسترش دهند و همه‌ساله آثار ارزشمندی توسط استادان علاقه‌مند، به بازار ادب عرضه می‌شود.

در سراسر هند بیش از ۵۰ بخش زبان فارسی در دانشگاه‌ها و کالج‌ها به فعالیت اشتغال دارند. بیش از ۱۰۰ مدرسه و دبیرستان فعالانه به تدریس زبان فارسی می‌پردازند. در اکثر قریب به اتفاق مدارس سنتی اسلامی، زبان فارسی در متون درسی وجود دارد و همه علما و مدرسین با دیوان‌های شعرای بزرگ، خصوصاً گلستان سعدی، آشنا و مانوس هستند.

زبان فارسی از آن رو که قرن‌ها زبان رسمی سلاطین گورکانی در هند بود، علاوه بر آن تکلم گونه‌ای از زبان پارسی توسط اقلیت پارسیان هند، تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر زبان‌های رایج در شبه قاره به‌ویژه زبان اردو داشته است.

پیش از آنکه هندوستان مستعمره بریتانیا شود، زبان فارسی دومین زبان رسمی این کشور (در دوره گورکانیان زبان رسمی) و زبان فرهنگی و علمی به‌شمار می‌رفت. اما پس از استعمار، انگلیسی‌ها در سال ۱۸۳۲ با زور انگلیسی را جایگزین فارسی کردند. زبان فارسی در دوره غزنویان به هند راه یافت. در آن دوره پارسی، زبان ادبیات، شعر، فرهنگ و دانش بود. با تأسیس امپراتوری مغول هندوستان به اوج پیشرفت خود در هند رسید و زبان رسمی هندوستان شد.

زبان فارسی هندوستان شاعران بزرگی همچون بیدل دهلوی و امیرخسرو دهلوی و دستگاه شعری «سبک هندی» را در خود پروراند. از دیگر شاعران نامدار فارسی‌زبان شبه قاره هندوستان، می‌توان از اقبال لاهوری نام برد.

همچنین پارسی‌گویان هندوستان، واژه‌نامه‌های ارزشمندی برای زبان پارسی گردآوری کردند که از آن جمله می‌توان به فرهنگ *ابراهیمی* از ابراهیم قوام‌الدین فروغی و فرهنگ *آندراج* از محمد پاشا، اشاره کرد.

**ادب دری:** فارسی از آوانی که هنگامه آن در عصر شکوفایی غزنویان به این دیار رسید، از همان زمان تا این دم زبان فارسی و ادب پر بار آن در دیارخوبان و سبزان هندوستان از پرورش بازمانده است، روابط مداوم اقتصادی، فرهنگی و کلتوری سبب شده است که این دو فرهنگ باستانی (آریانی - ایرانی و هندی) همیشه در حلقه مشترک فرهنگی و معنوی نگه داشته شوند.

در شبه قاره هند بنگال بنگاله نیز یکی از مناطقی بود که در درازنای تاریخ جای‌اش را در زبان و ادب فارسی و پشتو به حیث یک تصویر نادر هنری یافته است، شاعران متعدد این زبان در خراسان، فارس و ماوراءالنهر در مواقع مختلف بنگال را نه تنها به حیث یک واژه ساده به خاطر هم آهنگ‌سازی قافیه و ردیف به‌کار برده‌اند بل، این واژه را فرهنگیان زبده زبان فارسی در سراسر سرزمین هند نیز به حیث واژه که

بیانگر و انعکاس‌دهنده فرهنگ و احساسات ماندگار مردمان هند که خود ایجادگران فرهنگ و تاریخ کهن جامعه انسانی بودند نیز یادآوری کرده و درخور توجه آنها قرار گرفته است. در این رابطه به نظرم این نکته در قدم اول قابل غور و یادآوری بوده که بنگال و زیبایی بنگال و تخیل واژه بنگال، جادو و جادوگری بنگال، سیاهی بنگال، سبزه بنگال، نغمه‌های بنگال و غیره همه از جمع مفاهیمی‌اند که بدون مبالغه ایجادیات زبان فارسی دری و دیگر زبان‌های این خطه مانند اردو و پشتو را نیز در لابه‌لای ادوار تاریخی رنگینی داده است. به جاست که شاعران نازک‌خیال و باریک‌بین زبان فارسی چون حافظ شیرازی و شاعر قرن یازدهم هجری زبان پشتو عبدالحمید ماشوخیل، سرزمین بنگال و بنگاله را به حیث سرزمین مستقل و دارای هویت کلتوری جداگانه در مجاورت با دیگر مناطق هند یاد کرده و می‌گویند:

شکرشکن شوند همه طوطیان هند      زین قند فارسی که به بنگاله می‌رود

یا اینکه حمید ماشوخیل می‌گوید:

دلبرم آنقدر زیبا است که همتای‌اش

در جادوگری نه درهند است و نه دربنگاله (ترجمه شعر پشتو).

آری، بنگال و بنگاله سرزمین حماسه‌های شیرین، سرزمین زبان و ادبیات پربار و شکوهمند، سرزمین موسیقی و آهنگ‌های باول‌های صلح‌جو و سرگردان و بالاخره سرزمین رقص و حرکت و دیگر هنرها در شبه قاره هند است.

ادبیات این سرزمین رمزها و رازها که نه تنها بیانگر و تشریح‌کننده زیبایی‌ها بوده بلکه بیانگر حماسه‌ها و هنگامه‌های معنویت‌های انسانی در این سرزمین نیز بوده است، سرزمین مردان بزرگ، سرزمین مورد توجه کشورگشایان دنیا و منطقه و سرزمین پرورشگاهی که شعله‌های هنر و علوم از اینجا به سرزمین‌ها و مردمان دیگر هند و آسیا گسترش یافته‌اند. سرزمینی که موج‌های نرم و گرم کشتی فرهنگ

پربار زبان فارسی را به خاطر رهنمای مادی و معنوی‌اش از آن خود کرده و برای آن در قلب گرم و احساس نرم شورانگیز بنگالی‌اش جا داده است. نغمه‌های پربار مولانای بلخ، سنایی، حافظ و سعدی در سراسر بنگال (شرقی و غربی) که در آن مردمان با عقاید مختلف زندگی داشتند و دارند ورد زبان شمار زیادی از نخبگان این سرزمین شده و با در نظر داشتن مضمون معنوی آن آثار، کارکردهای ایجادیه را در زبان بنگاله طوری تحت تاثیرشان قرار داده است که در نتیجه از برکت معنوی این نغمه‌های جاویدان نغمه‌های خودشان به شهرت جهانی رسیده‌اند.

بنگال سرزمین زمزمه‌های باول‌هاست که شور و مستی معنوی این سرودها در پرورش ایمان و عقیده مردمان هند و بنگاله جایگاه درخور اهمیت داشته و دارد؛ باول‌های زنده‌دل، ستاره‌های معنویتی بودند که پیام راستی و حقانیت را به انسان‌های باورمند و علاقه‌مند در نغمه‌های صمیمی و سرگردان‌شان می‌رساند و حقانیت را بدون در نظر داشتن حالات و طبیعت حکمرانان و حکم‌فرمایان رنگارنگ بیان می‌داشتند.

همین هنگامه‌های سرشار بودند که زیر لوای آن شرایط آموختن و تدریس ارزش‌های زبان فارسی که تا اوایل قرن بیستم در شبه قاره هند از هر لحاظ هنگامه‌ساز بودند مهیا کردند. مردان قلم به آثار معتبر و شاهکارهای جاویدان زبان فارسی دری روآوردند و آنها را در سرزمین بنگال برای سالیان متمادی رونق دادند که در نتیجه به نقل میدان اهل بیدلان حال و قال این دیاران شدند.

از آنجایی که زبان فارسی تا اوایل قرن نوزدهم اهمیت مادی و معنوی‌اش را در بنگاله نگه داشته بود همین باعث شد که در اکثر آثار زبان بنگالی، واژه‌های فارسی جایگاه‌اش را حفظ کند و اکثر نویسندگان، زبان بنگالی یا زبان فارسی را یاد داشتند یا اینکه واژه‌های آن را در آثارشان به کار می‌بردند. چنان‌که نویسنده زبان بنگالی

(پیاری چاندمتر) در آثار خود چون *الاگهر رد و لال و الالی بنگلا* واژه‌های فارسی را به وفور به کار برده است.

انگلیسی‌ها با آنکه زبان خود را جانشین زبان فارسی کردند لیکن نویسندگان بنگالی آن اثرپذیری که از زبان فارسی گرفته بودند و مناسباتی که با زندگی مسلمانان در بنگال داشتند زبان فارسی را فراموش نکردند واژه‌ها و تاثیرپذیری را در آثارشان دوام دادند.<sup>۱</sup>

### سنگ‌نبشته‌های پارسی بر بناهایی هندی

دور تا دور فضای بیرونی و درونی قصر حاکمان محلی و مهاراجه‌های شبه‌جزیره دکن، اشعاری فارسی به خط نستعلیق نقش بسته است. این نوع نوشته‌ها مایه مباهات و افتخار صاحبان این کاخ‌ها بوده است. در برخی از نقاط هند در بناهای تاریخی هند می‌توان این‌گونه آثار را دید.

### تعدادی از سنگ‌نبشته‌های فارسی با خط نستعلیق

قصر قلعه اگرا شاه‌جهان

قصر اکبرشاه

سنگ‌نوشته‌های فارسی در گاه جهانگیر

نوشته‌های قبر تاج‌محل، ممتازمحل یا ارجمندبانو بیگم (۱۵ آوریل ۱۵۹۳ – ۱۷ ژوئن ۱۶۳۱) همسر ایرانی شاه‌جهان از پادشاهان فارس زبان که خود را از فرزندان مغول می‌دانستند. او همسر دوم شاه‌جهان در ۱۷ جون ۱۶۳۱ میلادی در هنگام

---

۱. «قند فارسی و بنگاله»، پروفیسور عبدالخالق رشید استاد پوهنتون کابل، این مقاله در کنگره زبان فارسی منعقد در مرشدآباد بنگال خوانده شد و بعد در مجله *قند پارسی* مجله علمی که از طرف رایزنی فرهنگی سفارت ایران در دهلی جدید نشر می‌شود، چاپ شد.

تولد چهاردهمین فرزندش جان باخت. شاه‌جهان بنای باشکوه تاج‌محل را برای یادبود وی ساخت. ارجمندبانو دختر یک ایرانی، به نام عبدالحسن عاصف‌خان بود.

#### د. آسیای صغیر

سلطین عثمانی از زمان تأسیس دولت‌های خود عشق خاصی نسبت به زبان و ادبیات فارسی داشتند. شاعران عصر عثمانی مانند سلطان‌سلیم و پسرش سلیمان‌خان آثار نظمی به فارسی نوشته‌اند و فرخی هروی این مسئله را تایید نموده که آنان خیلی خوب به زبان فارسی تسلط داشته و می‌نوشتند.

آسیای صغیر یکی از مراکز ادبیات فارسی و جایگاهی برای اجتماع ادبا و دانشمندان فارسی زبان شد. مخصوصاً صوفیان ایرانی حاضر در این سرزمین آثار و اشعار خیلی خوبی را به آنجا آوردند. تأثیر افکار صوفیانه مخصوصاً اشعار جلال‌الدین رومی (مولانا) در آسیای صغیر بسیار جلب نظر می‌کرد به‌گونه‌ای که حتی سلطین عثمانی خود، از پیروان این طرز تفکر بوده و به گسترش محبوبیت شاعران فارسی‌زبان مانند حافظ، سعدی، مولوی و ... کمک می‌نمودند.

#### مولانا و بلخ و قونیه، آئینه تمام‌نمای وحدت جهان ایرانی است

مولانا که در بلخ زاده شد و در قونیه تکامل یافته و در آنجا زندگی را بدرود گفت، تمام اشعار و آثار خود را به زبان فارسی سروده است.

با وجود اینکه قلمرویی که او در آن می‌زیست قلمرو ترکان بود، چگونه او آثار خود را به زبان فارسی آفریده است؟ می‌توان گفت که شاید مردمان آن قلمرو با زبان و ادبیات و فرهنگ ایرانی بیگانه نبودند و مولانا را درک می‌کردند، به همین

سبب اشعار و آثار مولانا که به زبان مادری خویش سروده می‌شد، از سوی شاگردان و مقامات فهمیده می‌شد و توسعه می‌یافت.

مردمان قلمروهای همسایه زبان و فرهنگ فارسی و ترکی با هم در تعامل بودند. در دوره شاه اسماعیل، سلطان سلیم عثمانی به فارسی برای شاه ایران نامه می‌نوشت.

هنوز هم اشعار مولانا از سوی ترکان در مراسم و آیین‌ها (همچنین در آیین سماع) با زبان فارسی خوانده می‌شود.



سنگ‌نبشته چشمه آلتین صو در مجموعه توپکاپی سرای استانبول

#### ه. قفقاز

در هر یک از جمهوری‌های قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) از گذشته‌های دور زبان فارسی حضور داشته و زبانی دیوانی بوده است. در دانشگاه‌های قفقاز کرسی آموزش زبان فارسی وجود دارد.

در دربار شاهان گرجی و شیروانشاه زبان فارسی رواج داشته و زبان درباری و ادبی بوده است. در گرجستان شاهنامه فردوسی، ویس و رامین و دهها اثر کلاسیک فارسی به گرجی ترجمه شده است.

در اپرای کوراوغلی از ساخته‌های آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان شهیر جمهوری آذربایجان، که به زبان آذربایجانی سروده شده است، مصنف در تصویر دربار عثمانی، مجلس عشرتی را شرح می‌دهد که در آن ساقی شعری از حافظ به زبان فارسی می‌خواند:

ساقی به نور باده بیافروز جام ما      مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما  
در قفقاز بیش از ۱۰۰ شاعر، نویسنده و محقق آثاری به زبان فارسی داشته‌اند.  
بزرگانی چون میرزافتحعلی آخوندزاده، عباسقلی آقاباکیخانف و دهها شاعر و نویسنده سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی آثاری به زبان فارسی دارند.  
وجود صدها واژه فارسی در زبان‌های ارمنی، آذری و گرجی نشان‌دهنده تاثیر زبان فارسی و امکان گسترش آن در آینده است.

تاریخ نظامی گنجوی بسیار جالب توجه است. جمهوری آذربایجان قسمتی از سرزمین ایران در آن دوران بود، او تمام آثار خود را فقط به فارسی نوشته است.  
آثار نظم باقی مانده از وی برای تأثیر در زبان آذربایجانی نیز مساعد بودند، همان‌طور که در ادبیات تمامی مسلمانان مردم شرق وجود داشت.  
خمسه نظامی یکی از موضوعات مورد تقلید آثار وی در آسیای مرکزی قرار گرفت. آثار نظامی نه فقط برای زبان فارسی بلکه برای فرهنگ دنیا ارزشمند و پر بها می‌باشد. او بنیان‌گذار خمسه بود و ادبیات شرق را به سمت جدیدی هدایت نمود.



نقی صویلو اندیشمند آذربایجانی می‌گوید: «آشنایی با ادبیات فارسی در میان خلق‌های ترک‌زبان و ادبیات آنان در ایران باید به عنوان پدیده‌ای مهم در زندگی فرهنگی این کشورها مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.»

اما چگونه رابطه ادبی بین‌المللی به غنی شدن ادبیات مردم جهان از آن جمله مردم شرق کمک کرد؟ راههای گوناگونی وجود دارد که یکی از آنان ترجمه‌های آثار هنری است. از طریق ادبیات، مردم کشورها با همسایگان، خصوصیات زندگی و فرهنگ ملی یکدیگر آشنا می‌شوند که درک متقابل و همکاری بین مردم ترک‌زبان و ایران را بهتر عملی می‌نماید.

### ن. زبان فارسی در چین

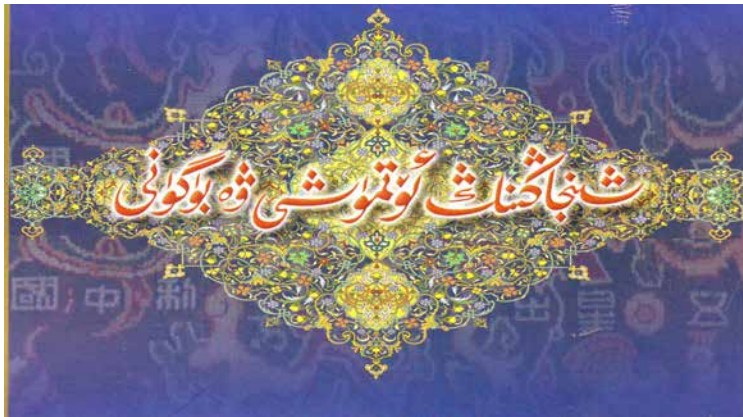
سرزمین چین در گذشته‌های بسیار دور یکی از عرصه‌های مهم نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی بوده است. تاریخ روابط مشترک دو کشور ایران و چین یادآور دورانی بس درخشان از حضور ایرانیان در سرزمین چین و رواج زبان فارسی در این سرزمین است. راه یافتن دین اسلام به چین خود موجب تقویت عنصر ایرانی و عامل تقویت زبان فارسی بود و متقابلاً زبان فارسی به عنوان زبان دین اسلام در گسترش این دین در چین تأثیرگذار بود. پیوند دیرین میان زبان فارسی و اسلام در چین به حدی است که عناصری مانند اسلام و قوم ایرانی و زبان فارسی در مقاطعی از تاریخ چین از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر بوده‌اند. امروزه نیز کشور چین یکی از مناطق مهم گسترش زبان فارسی در جهان به شمار می‌آید و برای ما دارای اهمیتی راهبردی است. همکاری‌های علمی و فرهنگی میان دانشگاه‌های ایران و چین از چند دهه قبل آغاز شده و هم اکنون در چند دانشگاه چین، زبان فارسی در مقاطع مختلف تدریس

می‌شود. در این مدت تلاش‌های قابل توجهی از سوی پژوهشگران چینی و علاقه‌مندان به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی برای شناخت تاریخ و فرهنگ ایران و معرفی آن به جامعه چین صورت گرفته است و در نتیجه علاوه بر بسیاری از آثار ادبی و تاریخی فارسی که به زبان چینی ترجمه شده آثاری نیز در این زمینه تألیف شده است.

امروزه علاوه بر انگیزه‌های فرهنگی و ادبی، مناسبات اقتصادی و سیاسی میان دو کشور نیز خود یکی از انگیزه‌های مهم آموزش زبان فارسی در چین و زبان چینی در ایران به شمار می‌آید. همه این عوامل اعم از فرهنگی، ادبی، اقتصادی و سیاسی آموزش زبان فارسی در چین را ضروری ساخته است.<sup>۳</sup>

### منطقه سین کیانگ چین یا ترکستان

منطقه سین کیانگ (ترکستان شرقی) با مساحتی بالغ بر یک میلیون و ۶۶۴ هزار و ۹۰۰ کیلومترمربع، تقریباً معادل سرزمین ایران و یک‌ششم کل مساحت چین واقع در غرب این کشور با جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر است که با هشت کشور از روسیه در شمال تا پاکستان در جنوب غربی جمعاً ۵ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد.



تصویر روی جلد کتابی به زبان ترکی سین کیانگ تحت عنوان شینجانین توتموشی و بوگونی

### گذشته و امروز سین کیانگ

ساکنان اصلی این منطقه عموماً به زبان اویغوری تکلم کرده و پیرو آیین اسلام می‌باشند. این منطقه در واقع منتهی‌الیه حوزه فرهنگ ایرانی در شرق محسوب شده و در طول تاریخ از نظر سیاسی دستخوش تحولات و دگرگونی‌های بسیاری بوده است. گاهی نوعی حکومت ایرانی بر این سرزمین حاکم بوده و در برهه‌ای تحت حاکمیت خان‌های آسیای مرکزی اداره می‌شده است.

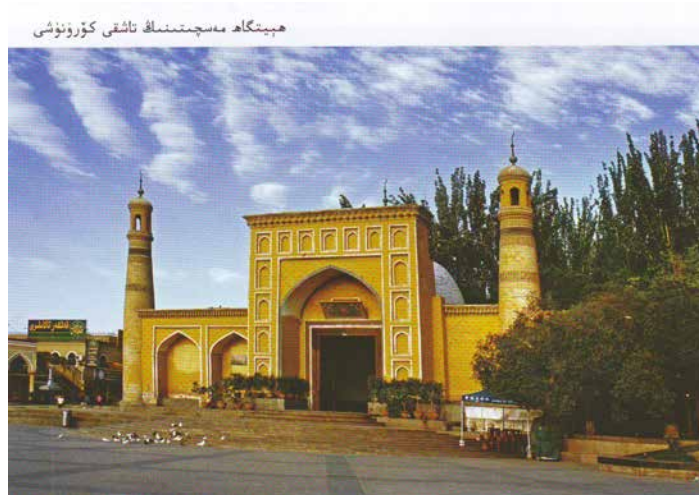
### آموزش زبان فارسی در سین کیانگ

آموختن زبان فارسی در مدارس و مراکز آموزشی سین کیانگ به نوعی مهارت و دانش تبدیل شده بود که یادگیری آن برای فرهیختگان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شد و این روند تا قرن بیستم همچنان ادامه داشت. حتی در مدارس جدیدی که در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۸۵ میلادی) با حمایت و هدایت برادران حسین تحت نام مدارس

«حسینیه» تأسیس و راه اندازی شد نیز هر هفته آموزش زبان فارسی جزء دروس اجباری بود و این روند جسته و گریخته تا سال ۱۹۵۰ در منطقه پایدار بود. فراگیران زبان فارسی تنها به آموختن این زبان نمی‌پرداختند بلکه ادبیات کلاسیک، نظم و نثر و حتی خوشنویسی زبان فارسی را یاد می‌گرفتند. به همین دلیل است که اکثر آثار مهم ادبیات کلاسیک هم مستقیماً از زبان فارسی به زبان اویغوری ترجمه شده‌اند و هم توسط ادبا و شعرای منطقه به تقلید از آنان و به همان سبک و سیاق کتاب‌های ادبی، عرفانی و تاریخی تألیف کرده‌اند که تأثیرپذیری آنان از آثار زبان و ادبیات فارسی به وضوح مشخص است که در اینجا به پاره‌ای از آنان اشاره می‌شود.

### تحول فرهنگی در منطقه سین کیانگ

عبور جاده ابریشم نیز از این منطقه موجب شده نژادهای گوناگونی با فرهنگ‌های مختلف در آن ساکن شوند و همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند که تجمع فرهنگ‌های متنوع آسیایی بر غنای فرهنگی آن افزوده و در این بین زبان و فرهنگ ایرانی به دلیل سابقه طولانی و توسعه خود حرف اول را می‌زده است. در قرن نهم (۸۴۰ میلادی) به علت بروز قحطی و خشکسالی و بحران اجتماعی در فلات مغولستان، تعداد زیادی از مغول‌ها از محل سکونت خود مهاجرت و به سرزمین سین کیانگ وارد شدند که از اختلاط مهاجران و سایر اقوام ترک با ساکنان بومی (سکاها - آریایی‌ها) نژاد جدیدی به وجود آمد که بعدها به اویغورها معروف شدند. در اثر افزایش تعداد مهاجران، جمعیت قبایل آریایی و ایرانی که به زبان‌های شرق ایران صحبت می‌کردند، رو به کاهش گذاشت و کم‌کم در جمعیت غالب ذوب شدند.



تصویری از نمای بیرونی مسجد هیتگاه در سین کیانگ

در دیوان لغات‌الترک محمود کاشغری، (۱۰۷۲م) چنین آمده است که: عبارت «باشسیز بؤرک بولمس تاتسیز تورک بولمس»، یعنی سر، بی کلاه و ترک، بی تات نمی‌تواند به سر ببرد (تات کنایه از فارس‌زبان و ایرانی است). از گفته محمود کاشغری و ضرب‌المثل فوق رابطه بین دو ملت فارس و ترک و ادبیات آنان را به خوبی می‌توان درک کرد.

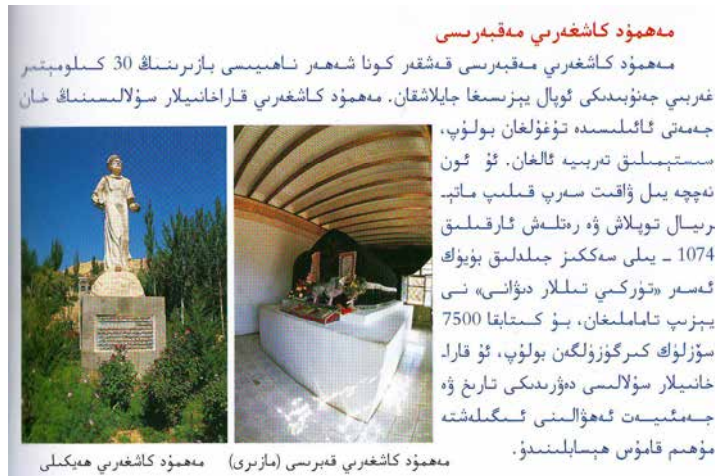
در بخشی از کتاب دانش خوشبختی یوسف خاص حاجب آمده است:

هر چند من مانند قیصر و کسری قدرتمندم  
و مانند آدم و حوا بهشت بشر را خلق می‌کنم  
هر چند من مانند اسکندر جهان را فتح می‌کنم  
و همچون نوح هزار سال زنده می‌مانم  
هر چند مانند حیدر شجاعت به خرج می‌دهم  
و همچون رستم شجاعت جهانی دارم

اگرچه من همچون عیسی به آسمان عروج می‌کنم  
و مانند انوشیروان عدالت می‌کنم

و...

در این ابیات اغلب قهرمانان مورد استفاده نویسنده، همان قهرمانان ادبیات فارسی هستند که در جای‌جای کتاب از آنان استفاده شده است.



در این تصویر نمونه‌ای از خط و نوع حروف به کار برده شده برای زبان ترکی سین کیانگ و مقبره محمود کاشغری در شهر کونا نشان داده شده است.

### دانستن زبان فارسی در بین مستشرقان امتیاز شمرده می‌شود

هنگامی که از مستشرقان، استادان و پژوهشگرانی که در حوزه فرهنگ و تمدن ایران زمین فعالیت دارند پرسش می‌شود: «چرا شما می‌خواهید زبان فارسی یاد بگیرید؟» آنان بی‌درنگ پاسخ می‌گویند که منابع بی‌کرانی درباره فرهنگ و تمدن ایران زمین به فارسی نوشته شده که ما علاقه‌مندیم آنها را به زبان اصلی، مورد

مطالعه و پژوهش قرار دهیم. بدین جهت آنانی که فارسی را می‌دانند بهره بیشتری از این سفره رنگین خواهند برد.

### **فارسی شکر است**

زبان فارسی زبانی است فاخر، زبان معرفت و عرفان، زبان فرهنگ و هنر و زبان دین و دانش. اگر کسی به این زبان آشنایی داشته باشد و منابع غنی ادبیات و تاریخ ایران را مطالعه کند، بی‌گمان با فرهنگ ایرانی - اسلامی آشنا خواهد شد که تمدنی منحصر به فرد است و در دیگر نقاط جهان اسلام نمی‌توان آن را یافت. برای شناساندن حوزه دین و دانش، معرفت و عرفان و فرهنگ و هنر ایرانی به غیرایرانیان، تنها وسیله کارا، آموزش زبان فارسی است.

### **راز ماندگاری زبان فارسی، راز ماندگاری فرهنگ اسلامی - ایرانی است**

همه شعرای بزرگ و نام‌آور ایران‌زمین، اندیشمندانی بودند که فرهنگ و تمدن این سرزمین را با بهترین آرایه‌های ادبی (شعر) و در بسته‌بندی کالای معرفت به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌اند. از این‌رو ما آنها را شاعر خطاب نمی‌کنیم: آدم‌الشعرا رودکی سمرقندی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، شیخ اجل سعدی، خواجه حافظ شیرازی، مولانا مولوی بلخی، حکیم نظامی گنجوی، حکیم خاقانی شروانی، حکیم سنایی غزنوی، حکیم عمر خیام نیشابوری.

### **ارتباط ادبی ایران امروز با گذشته تاریخی خود**

در برخی از زبان‌های زنده دنیا ارتباط ادبی معاصر، به سبب تحول زبانی، با گذشته آنها گسسته است. اما آثار ادبی ایران از بیش از ۱۰۰۰ سال پیش هنوز هم قابل درک و فهم است و کاربرد دارد. در زیر نمونه‌هایی نشان داده می‌شود:

#### ۴۰ ■ سلسله نشست‌های علمی\_تخصصی

زمانه پندی آزادوار داد مرا      زمانه را چو نکو بنگری همه پند است  
(رودکی)

توانا بود هر که دانا بود      ز دانش دل پیر برنا بود

(فردوسی)

به نام آنکه هستی نام ازو یافت      فلک جنبش، زمین آرام ازو یافت

(نظامی گنجوی)

این ویژگی در کمتر زبانی یافت می‌شود که نشان می‌دهد نثر ادبی فارسی در آغاز نثری بی‌تکلف، ساده و در عین حال پر از معانی انسانی و عرفانی بوده است و ما می‌توانیم امروز آن را دریابیم.

#### کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها، یادگارهای جاویدان آثار فرهنگی

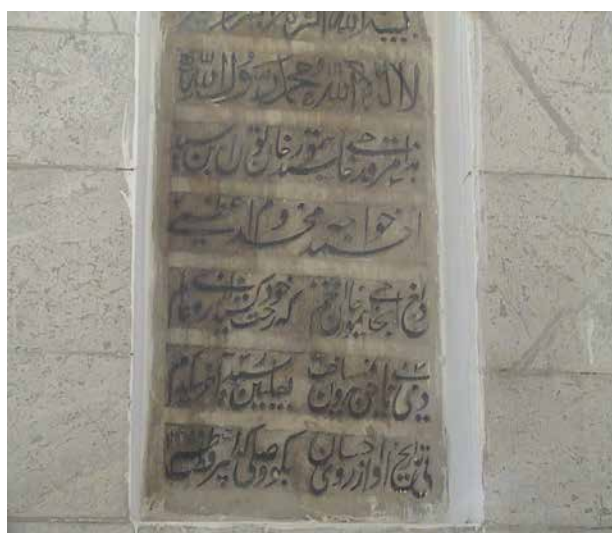
کتیبه‌ها، به‌ویژه کتیبه‌های سنگی، میراث‌دار فرهنگ مکتوب ملت‌ها هستند.







سردر مسجدی در محله دهقان بازار چارسو تاشکند



کتیبه مسجد اعظم در خجند تاجیکستان



ابوالقاسم لاهوتی

هر شب ز خودت پرس اگر تو مردی      کامروز چه خدمت به مردم کردی



مزار ابوالقاسم لاهوتی در صومعه نووی دویچی در مسکو

### آثار معماری به عنوان حافظان پایدار میراث فرهنگی

آثار معماری بسیاری در قلمرو ایران فرهنگی وجود دارد که بر پیشانی آنها کتیبه‌هایی به زبان فارسی و با خط نستعلیق نقش بسته است. بسیاری از مردم از روی ناآگاهی و دولتمردان و راهنمایان توریست‌ها از روی آگاهی آنها را خط و زبان عربی معرفی می‌کنند. به سبب ناآشنایی مرمت‌کاران با زبان و الفبای فارسی، در مرمت این آثار هم در این کتیبه‌ها سهوهایی رخ می‌دهد.



سر در مزار پهلوان محمود خوارزمی (پوریای ولی) در خیوه در ازبکستان



تصویری از کتیبه شاه‌عباس در مسجد جامع شهر باکو

### متن کتیبه شاه‌عباس در بادکوبه

حکم جهان مطاع شد آنکه در این وقت بنا بر عنایت بی‌غایت شاهانه در باب شیعیان بادکوبه الکا شیروان، احسن‌الله احوالهم از ابتدا توشقان ایل مال و جهات ایشان راعن رسد یک‌ماهه شهر رمضان المبارک سوای توجیهاتی که اجازه داده می‌شود و به تخفیف و تصدق مقرر دانستیم مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی این رقم عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده تغییر و تبدیل به قواعد آن راه ندهند و آنچه تیول و مواجب همه ساله مقرر است بر طرف دانند و آنچه مقرر است وارد دیوان حواله می‌شود و مالو جهات شهر مذکور را سال به سال کم نموده تتمه را تنخواه ارباب حوالات نمایند. تیولداران الکا مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته رسد یک ماه شهر مذکور را از تیول خود بر طرف دانند و طلبی از رعایا نمایند و کلانتر و کادخدایان و ریش‌سفیدان الکا مذکور به حقیقت رسیده اگر سنی در میان شیعیان بوده باشد یا مردم محل از محل سنی آنجا باشند تخفیف به ایشان داده نمی‌شود و نسخه منقح آن درست داشته به دفتر

خانه همایون فرستند که مستوفیان عظام و کرام در دفاتر علیه ثبت نمایند و دانسته باشند که اگر کسی را پنهان نموده باشند در این دنیا از ایشان بازخواست خواهد شد و آخرت خدمت حضرت امیرالمومنین علی‌ابن‌ابوطالب (ع) شرمنده خواهند بود. تغییرکننده تخفیف مذکور به لعنت الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی گرفتار گردد و باید که دستور میمون را به سنگ نقش نموده بر دعاگویی دوام دولت قاهره تقصیر نکنند. فی سنه ۱۰۲۴ کتیبه العبد الاقل نذیری عمل استاذ سید طاهر ابن سید امیر بادکوبی.

### ملاحظات چند از وضعیت زبان فارسی

- زبان فارسی به عنوان عنصر اصلی هویت ایرانی در سراسر جهان شناخته شده است و اگرچه با تحولات سیاسی و بین‌المللی فراز و نشیب‌هایی را پیوده است، با این وجود هنوز هم دوستدارانی در جهان و در میان دانشگاه‌ها و اندیشمندان دارد.
- چند سال پیش در ملاقاتی که با سردبیر روزنامه الاهرام مصر داشتم می‌گفت که پس از انقلاب اسلامی ایران، بر اثر قطع روابط سیاسی، آموزش زبان فارسی که زمانی زبان دوم دانشگاه‌های قاهره بود، متوقف ماند و اکنون زبان عبری جای آن را گرفته است.
  - تقاضای او توجه به آموزش زبان فارسی و مبادله استاد و دانشجو و فراهم آوردن امکان آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های مصر بود.
  - از یک اندیشمند مصری پرسیده شد که چرا پس از حمله اعراب شما زبان خود را از دست دادید و عرب شدید در حالی که دارای تمدن شکوفا و درخشانی بودید. در عوض در ایران پس از حمله اعراب زبان فارسی پابرجا ماند و ایرانیان

عرب نشدند؟ اندیشمند مصری پاسخ داد که: مصری‌ها فردوسی نداشتند تا زبان آنها را زنده نگه دارد.

- در سال ۱۳۸۲ تعدادی از استادان دانشگاه مکزیکو در دیدار از مرکز تحقیقات زبان فارسی دانشگاه تربیت مدرس، خواستار اعزام استاد و برگزاری دوره آموزش زبان فارسی در دانشگاه مکزیکو بودند. آنها اظهار می‌داشتند که از سوی اسرائیل پیشنهادهای زیادی برای برگزاری دوره‌های آموزش زبان عبری داشته‌اند، که مقامات دانشگاه علاقه‌مند نیستند و تنها مایل به تاسیس کرسی زبان فارسی هستند.

### تاثیر زبان فارسی بر ادبیات روسی

- پوشکین:

بخود کاخی بپا کردم که دست آنرا نمی‌سازد

علف هرگز نپوشد راه مردم را به آن محضر

معظم آبدۀ انسان که بالاتر سر فرازد

ز برج شاه اسکندر

- شباهت بسیاری به شعر فردوسی دارد که می‌گوید:

بناهای آباد گردد خراب      ز باد و زباران وز تابش آفتاب

بنا کردم از نظم کاخی بلند      که از باد و بارانش نباید گزند

### فواره‌های باغچه سرای

سرلوحه داستان معروف منظوم پوشکین *فواره باغچه‌سرای* چنین است: «اشخاص زیادی مثل من به این فواره روی می‌آوردند. عده‌ای چشم از این جهان بر بسته‌اند و بقیه در مسافرت‌های دور و دراز هستند.» پوشکین سپس نام سعدی را زیر این سرلوحه می‌نویسد. این سرلوحه ترجمه آزاد شعری از بوستان سعدی است و به‌طوری که محقق روسی ک.ای. چایکین نشان داده پوشکین آن را از ترجمه فرانسه رمان *لاله* رخ اثر توماس مور که توسط پیشو در سال ۱۸۲۰ میلادی ترجمه شده اقتباس کرده است.

متن فارسی شعر سعدی این است:

شنیدم که جمشید فرخ سرشت	به سرچشمه‌ای بر به سنگی نیش
بر این چشمه چون ما بسی دم زدند	برفتند چون چشم بر هم زدند
در بوستان در باب معنی شفقت بر حال رعیت سروده است	

دنباله شعر چنین است:

گرفتیم عالم به مردی و زور	ولیکن نبردیم با خود به گور
چو بر دشمنی باشدت دسترس	مرنجانش کو را همین غصه بس
عدو زنده سرگشته پیرامنت	به از خون او کشته در گردنت

### مقایسه‌ای نمونه‌ای از کاربرد واژگان

- در زبان فارسی به دروازه‌ای که از آن به درون مکانی می‌رویم «ورودی» می‌گوییم و می‌نویسیم، حال آنکه این واژه «ورود»، عربی است. اما عرب‌ها می‌نویسند «مدخل». تاجیک‌ها به آن «برآمدگاه» می‌گویند، که واژه‌ای پارسی است.

- در زبان فارسی اگر از مکانی بخواهیم خارج شویم می‌گوییم «خروج» که واژه‌ای عربی است. اعراب به آن «مخرج» می‌گویند که در فارسی معنی دیگری دارد. تاجیک‌ها به آن «درآمدگاه» می‌گویند.

- در فارسی به محل برگزاری نماز جمعه «مصلی» می‌گوییم که واژه‌ای عربی است. در عربی مصلی به معنی نمازخانه است (در اماکن عمومی). در آسیای مرکزی (ماوراءالنهر) به آن «نمازگاه» می‌گویند که واژه‌ای فارسی است.

### نتیجه‌گیری

زبان فارسی دارای ریشه تاریخی در جهانی است که در حوزه جهان ایرانی می‌زیند و از گذشته‌های دور بیشتر و اکنون کمتر با زبان فارسی آشنایی دارند و واژگان بسیاری از زبان فارسی را می‌توان در زبان‌های ترکی، گرجی، ارمنی، عربی، هندی، اردو و حتی سواحیلی (زبان مردم شرق آفریقا) یافت. این میراث گران‌بها را می‌توان در کنار دیگر عناصر وحدت‌آفرین در این قلمرو که شامل جشن‌ها و آیین‌ها (از جمله آیین‌های نوروزی) است، برای همگرایی بین ملل منطقه به کار گرفت. اما برخی از جریان‌ها و مقامات دولتی برخی از کشورها برای ساختن هویت ملی مردم خود، به ویژه کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی و قفقاز در این زمینه بیشتر کوشش می‌کنند. بنابراین زبان فارسی با چالش‌هایی روبرو می‌شود. یکی از این چالش‌ها مصادره شخصیت‌های تاریخی، علمی و فرهنگی ایرانی است.



### چالش‌های پیش‌رو

برخی از ترک‌ها نادانسته می‌گویند که ایرانی‌ها به زیبایی توانسته‌اند مثنوی مولوی را به زبان فارسی سلیس ترجمه کنند. اگر پاسخی ندهیم باورکردنی خواهد بود؟

اگر ما درباره مولوی و ثبت این میراث معنوی به موقع اقدام می‌کردیم، می‌توانستیم حرفی برای گفتن داشته باشیم.

مثنوی مولوی و دیوان شمس تبریزی به فارسی سروده شده است. اگر مولانا در حیات خود این آثار را سروده است، به معنی آن است که شاگردان وی و اهالی قونیه هم زبان فارسی می‌دانسته‌اند. می‌توان گفت که گستره زبان فارسی تا آناتولی مرکزی و جنوبی هم کشیده شده بود.

### مصادره شخصیت‌های فرهنگی ایران و تبعات آن

تاجیک‌ها: فردوسی، ناصر خسرو، بوعلی سینا

قزاق‌ها: فارابی

ازبک‌ها: خوارزمی

آذری‌ها: نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی

افغان‌ها و ترک‌ها: مولوی

در شهر دوشنبه و در شهرهای دیگر تاجیکستان آثار فرهنگی ایران (موسیقی) بیشتر محدود به خواننده‌های لس‌آنجلسی است. فیلم‌های سینمایی آن را فیلم‌های

هندی و آمریکایی تشکیل می‌دهد(بالیوود وهالیوود). این وضعیت در دو حوزه فرهنگ ایران در آسیای مرکزی (ولایات سمرقند و بخارا) نیز چنین است. رایزنی فرهنگی ایران در شهر دوشنبه فعالیت دارد ولی فعالیت‌های آن در سال‌های متمادی نتوانسته است منجر به رشد فرهنگ ایرانی در تاجیکستان شود. هنوز برنامه‌نرم‌افزاری گسترده برای تبدیل حروف الفبای تاجیکی (کریل) به الفبای فارسی و بالعکس نوشته نشده است. از نظر کتابت امکان استفاده دو طرف از انتشارات یکدیگر فراهم نیست.

زبان پشتون که از زبان‌های هم‌خانواده زبان‌های ایرانی است برای ما ناشناخته است و پشتون‌ها و ایرانی‌ها که از یک خانوادهٔ زبانی هستند، با یکدیگر دشمنی دارند.

### نمونه‌هایی از نثر فارسی

با نگاهی به میراث ادبی گذشته ایرانی متوجه می‌شویم که نثر زبان فارسی در آغاز پاک، ساده و پر معنی و بی‌تکلف بود و به جز واژگان عربی (آن هم به مقدار کم) از زبان‌های دیگر کمتر واژگانی به این زبان وارد شده بود. در سال‌های اخیر از یک سو در داخل و از سوی دیگر رسانه‌های خارجی، در ناخالصی زبان فارسی و آلودن آن به واژگان و اصطلاحات بیگانه کوشش می‌کنند. همچنین در رسانه‌های گروهی ایران، در سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی سعی در زدودن اصطلاحات فارسی و جایگزینی زبان فارسی با زبان عربی است. با روند کنونی انتظار می‌رود که در دهه‌های آینده زبان فارسی به عربی تبدیل شده باشد. بیش از هر زمانی، زبان عربی در حال اضمحلال است و این عنصر هویتی ملت ایران اهمیت خود را از

دست خواهد داد. در ادامه پاره‌ای از نوشته‌های بزرگان ایرانی آورده می‌شود تا بدانیم که چه میراثی داشته‌ایم و به کدامین سو می‌رویم.

- تا توانی بر مردمان نکویی کن، زمانی بر دهد (قابوس‌نامه سده ۵)
- چه بزرگان بوده‌اند و همگان برفته‌اند و از ایشان نام نیکو یادگار مانده است (تاریخ بیهقی، سده پنجم)
- و بیشتر عمارات پنج اشکوب و شش اشکوب باشد و آب خوردنی از نیل باشد خوش باشد و هرچه دور از نیل باشد و مصر و قاهره را گویند ۵۰ هزار شتر راویه کش است که سقایان آب کشند (ناصر خسرو)
- اول باید دانست که در هر اقلیمی از اقالیم جهان مردم شهرنشین، ده‌نشین و صحرائنشین علی‌حده بوده و هستند و علی‌الخصوص در ولایاتی که مرغزار باشد و علف چهارپایان بسیار و از عمارات و سواد دور، صحرائنشین زیادت باشد (جامع‌التواریخ، سده هشتم)
- ایامی در این اندیشه به سر کردم و با مزاج بهانه‌جو و طبع سرکش در کشاکش بودم، عاقبت رای دوربینم بدین قرار یافت که رموز احوال گرامی این آراینده دیهیم خسروانی را بی‌آنکه بسلاست عبارات و الفاظ مناسب و آراستگی لفظ و معنی مقید باشم به طریق مستوده به قید کتابت درآورده در دفتر اندیشه و آمال ثبت نمایم (تاریخ عالم آرای عباسی، سده یازدهم)

### پیشنهاد

برای زدودن کج‌فهمی‌ها و همگرایی بین کشورهای حوزه، برگزاری میزگردها و کنفرانس‌های مشترک با کشورهایی که ادعا می‌کنند برخی مشاهیر ایرانی بدان‌ها تعلق دارند، می‌تواند مفید باشد.

پیشنهاد می‌شود برای همگرایی منطقه‌ای با استفاده از میراث معنوی مشترک در شهرهای مختلف ایران خیابان‌هایی به نام شهرها و مشاهیر ایرانی قلمرو جهان ایرانی نام‌گذاری شود. قفقاز، شیروان، بادکوبه، دربند، تفلیس، ایروان، گنجه، سمرقند، بخارا، خوارزم، مرو، اورگنج و امثال آن می‌تواند به رشد آگاهی نسل آینده یاری رساند.

آموزش زبان فارسی به عنوان اصلی‌ترین فعالیت فرهنگی نمایندگی‌های سیاسی ایران در کشورهای حوزه ایران فرهنگی تبدیل شود. به جای تبلیغات مذهبی (آموزش‌های مذهب جعفری) در حوزه جهان ایرانی که اغلب اهل تسنن هستند و با این کار از ما دوری می‌گزینند، بهتر آن است که بر روی آموزش زبان فارسی تمرکز داشته باشیم. هر آموزش‌گیرنده زبان فارسی با مطالعه آثار گران‌بهای ادب فارسی، خداشناسی و معرفت را نیز یاد می‌گیرد و گرایش به سوی مذهب تشیع پیدا خواهد کرد. زیرا آثار ادبی ما مشحون از آموزه‌های مذهب تشیع است. بدین ترتیب ما می‌توانیم به طور غیرمستقیم، مذهب جعفری اثنی‌عشری را به دیگران بیاموزیم.

در رادیو و تلویزیون ایران به جای ساختن سریال‌های عهد دقیانوس و پیامبران بنی‌اسرائیل، کوشش‌ها به سوی معرفی مشاهیر علم و ادب ایران هم‌راستا شود. درباره زندگی فردوسی، مولوی، حافظ، سعدی، رودکی، بیهقی، خوارزمی، فارابی، نظامی، خاقانی، ناصر خسرو، فرخی و صدها تن دیگر سریال‌های ارزنده‌ای می‌توان ساخت. از ساختن و تولید سریال‌هایی با مضامین گفت‌وگوهای بی‌محتوای فارسی با زبان کوچه‌بازاری شدیداً جلوگیری شود. به مصداق مثل فارسی «گرگ را دوختن آموز دریدن خود داند» باید به مردم ادب آموخت بی‌ادبی را خود از کوچه و بازار خواهند آموخت.

چون ما ایرانی هستیم و هزاره‌ها پیش از تازیان (اعراب)، باشندگان این سرزمین اهورایی بوده‌ایم و هیچگاه بت‌پرست نبوده‌ایم و نوروز داشته‌ایم، چرا به جای نیایش «یا مقلب‌القلوب والابصار...» که عربی است از زبان ملی خود بهره نگیریم. خدایی که ما سر بر آستانش می‌ساییم و از او یاری می‌خواهیم، بر هر چیزی تواناست. پس بهتر آن باشد که نیایش نوروزی را به زبان پارسی زبان مادری خود به جا آوریم که ترجمه فارسی آن می‌تواند به صورت زیر باشد:

گشت گرداگرد مهر تابناک، ایران زمین      روز نو آمد، شد شادی برون زندر کمین  
ای تو یزدان، ای تو گرداننده مهر و سپهر      برترینش کن برایم این زمان و این زمین

از یزدان پاک بخواهیم ما را از تنگناها رهایی دهد و بر ما بخشش را فزونی دارد و برایمان تندرستی، سربلندی همراه با رهایی از زور و ستم ارزانی دارد.

امروزه بیش از هر زمانی دیگر زبان فارسی در خطر انهدام قرار دارد. جریان‌هایی در داخل کشور در پی زدودن واژگان پارسی و جایگزینی آن با واژگان عربی هستند. برخی می‌پندارند که با جایگزین کردن واژگان عربی به جای پارسی، سبب تقویت گرایش‌های دینی در بین جوانان می‌شوند. اما این پندار نادرست است. اعراب هیچگاه با ملت ایران نزدیکی نخواهند داشت. ما شیعه هستیم و آنها سنی. آنان خصومتی تاریخی با ایران دارند و ایرانیان، آنان را هنوز به چشم مهاجم بیابانگرد و دور از تمدن می‌نگرند. نگاه دوسویه بین ایرانیان و اعراب هرگز امکان نزدیکی دو ملت را نخواهد داد. ما در منطقه‌ای که زندگی می‌کنیم به جهت زبان و مذهب شرایط ویژه داریم و منحصر به فردیم. از این رو در طی سال‌های اخیر نتوانسته‌ایم حتی با آذری‌های شیعه جمهوری آذربایجان به وحدت برسیم و روزه‌روز به فاصله ما افزوده می‌شود. عراقی‌ها با ما دشمنی دارند و جریان‌های ضد ایرانی در بین اعراب سنی عراقی به شدت قوی است. حکومت تاجیکستان طی ۳۰ سال امکان نزدیکی

ملت خود به ایران را نداده و نخواهد داد. آنان می‌خواهند تاجیک بمانند و تمایلی به حل شدن در فرهنگ ایران را ندارند و نمی‌خواهند از خط و الفبای ما پیروی کنند. در افغانستان حکومتی غرب‌گرا و در صورت شکست این جریان پشتون‌ها بر سرکار خواهند بود که جریانی طالبانیسم و سلفی‌گرا و مخالف شیعه خواهند بود. اکنون ما باید ابتدا در داخل کشور زبان فارسی را تقویت و آن را از عربی شدن رهایی بخشیم. در آن صورت ملی‌گرایی مثبتی در بین جوانان برای حفظ هویت ملی که زبان فارسی بخش بسیار مهم آن خواهد بود، می‌تواند ما را در فضای پیرامونی از گزند تجزیه رهایی بخشد. در آن زمان ما می‌توانیم از ظرفیت‌های زبان فارسی نه از طریق صدور انقلاب یا آموزش‌های دینی و مذهبی بلکه از راه آموزش زبان فارسی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن، جایگاه بایسته خود را پیدا کنیم. لازم است با نگاهی دوباره به برنامه‌هایی همچون «زبان فارسی را پاس بداریم» و تجدید ساختار در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و فعال‌سازی آن از طریق مشارکت فرهنگ‌دوستان و متخصصان زبان فارسی از عربی شدن بیشتر زبان فارسی جلوگیری و آن را نجات دهیم. در سال‌های اخیر بیشترین لطمه به زبان فارسی وارد شده و بر شدت فرایند عربیزه شدن زبان فارسی افزوده شده است. هر متنی را که می‌نویسیم و می‌خوانیم بازنگری کنیم و ببینیم چند درصد از واژگان به کار برده شده در رسانه‌های ما پارسی است. شگفت‌زده خواهیم شد که بیش از نیمی از واژگان نوشته شده، عربی و تعدادی ریشه لاتین دارند. از نام وزارتخانه‌ها می‌توان قیاس کرد. واژه بازرگانی را اخیراً به تجارت عربی تبدیل کرده‌ایم. وزارت رفاه، نفت، امور خارجه، قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، علوم، تحقیقات و موارد بسیار دیگر عربی‌اند. اصطلاح «حوادث غیرمترقبه» می‌توانست «رویدادهای ناگهانی» نوشته شود که فارسی است و همین‌طور و همه جا می‌توان دید که «اتومبیل خدمت»، «استفاده

اختصاصی ممنوع» یا «استعمال دخانیات ممنوع»، «توقف مطلقاً ممنوع»، کدامشان فارسی است؟ دیگر نشان اندکی از زبان فارسی باقی مانده است. بیایید در گام نخست این نشان هویت مردم ایران را از درون از گرفتاری‌ها رهایی بخشیم و سپس از توان‌های آن برای همگرایی در سرزمین‌های پیرامون بهره بگیریم.

اکنون که تکنولوژی اطلاعات، فضای ماهواره‌ای و دیجیتالی امکان برقراری ارتباط از یک نقطه به نقطه دیگر جهان فراهم کرده و زمان و مکان با هم منطبق شده و به گفته مک‌لوهان دهکده جهانی شکل گرفته است، می‌توان جهانی ایرانی در جهان جهانی پدید آورد. کافی است نوع نگرش‌ها را دگرگون کنیم و از فضای بسته‌ای که خودمان به دور خودمان تنیده‌ایم خارج شویم و به گفته سهراب چشم‌ها را بشوئیم و جوری دیگر ببینیم.

ایرانیان مقیم دیگر نقاط جهان که تعداد آنها بسیار زیاد است، خود در حال ساختن ایرانی دیگر در فضایی دیگر هستند، می‌توانیم آنها را به خود نزدیک یا دور سازیم. اگر نزدیک سازیم سرمایه‌های اجتماعی خود را در جهان گسترده‌ایم و اگر نه، آنها راه خود را پی خواهند گرفت و جهانی ایرانی بدون ایران خواهند ساخت.

با اینکه زبان پشتون(ن) جزو خانواده زبان‌های ایرانی است، هم پشتون‌ها با ایران و هم ایران با پشتون‌ها خصومتی غیرقابل باور دارند. از این رو پیشنهاد می‌شود برای نزدیکی هر چه بیشتر دو ملت، کرسی آموزش زبان پشتون در یکی از دانشگاه‌های ایران تاسیس شود.

رایزنی‌های فرهنگی ایران در کشورهای حوزه فرهنگی جهان ایرانی عملکردی ضعیف داشته‌اند و در هیچ‌کدام از آنها از مشاهیر علم و ادب ایران برای اشاعه فرهنگ ایران‌زمین بهره گرفته نشده است. پیشنهاد می‌شود در رایزنی‌های فرهنگی از استادان بازنشسته، خوش‌نام و فرهیخته بهره گرفته شود. بسیاری از رایزنان حتی به زبان محل

ماموریت خود آگاهی ندارند. بازنگری در ساختار رایزنی فرهنگی با جدیت و ضرورت زیادی احساس می‌شود.

کشورهای حوزه ایران در کشور ما رایزنی فرهنگی ندارند. در حالی که ایران در اغلب آنها رایزنی فرهنگی دایر کرده است.

### **ساختارهای قانونی برای پاسداری از زبان فارسی**

در سال‌های اخیر به سبب پاره‌ای از ناهماهنگی‌ها که در زمینه زبان فارسی و مسائل آموزشی آن در سطحی ملی و بین‌المللی پیش آمد، بنیادی به نام بنیاد سعدی تاسیس شد که با ادغام سازمان‌ها و نهادهای موازی درصدد هماهنگی آموزش و گسترش زبان فارسی است. با استقبال از این ابتکار و امید به موفقیت این نهاد قانونی متن مصوبه را در زیر نشان می‌دهیم:

در جلسه ۶۷۳ مورخ ۸۹/۸/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی «اساسنامه بنیاد سعدی» به تصویب رسید.